

## اهداف و مقاصد

# تاریخ و تاریخ‌نویسان\*

ترجمه حسن زندیه

چرا ناید با مطالعه تاریخ خودمان را به زحمت بیندازیم؟

چه پیوندهایی ممکن است بین گذشته‌ای که دائمًا دورتر می‌شود و شرایط خاص ما در زمان حال وجود داشته باشد؟

آیا داستان‌های مربوط به ملل و ازمنه وامکنه دیگر می‌توانند در عصر رشد تکنولوژی پرشتاب و تحولات تکان‌دهنده مصدق و معنایی داشته باشد؟

آیا عاقلانه است که فکر کنیم هر کس می‌تواند از تجارت دیگران در زمان‌های احتمالاً بی‌سابقه و پرمخاطره بهره‌مند شود؟

## مرکز تحقیقات کاپیویر علوم اسلامی

که لاف می‌زنند، گروهی که در اشتباہند و عده‌ای که براحتی می‌توان گفت چیزی نمی‌دانند. حتی متفکر بزرگی همچون گنور ک ویله‌فر دریش هگل آلمانی بیم آن را داشت که تنها چیزی که می‌توانیم از تاریخ بیاموزیم آن است که از تاریخ هم نمی‌توانیم چیزی بیاموزیم (تنها درسی که تاریخ به انسان می‌دهد این است که تاریخ هم هیچ درسی به انسان نمی‌دهد. م)

اما در زمان‌های اخیر مفسران متعددی نیز در این‌باره ابراز خوشبینی کرده‌اند، بعنوان مثال در تابستان ۱۹۸۹ فرانسیس فوکویاما، یک مقام برنامه ریز وزارت امور خارجه و یک روس شناس فارغ التحصیل از دانشگاه هاروارد، جنبشی در محافل سیاسی- علمی پدید آورد با این استدلال که خاتمه جنگ سرد واقعاً همان «پایان تاریخ» است. وی با بهره‌گیری از «فلسفه تاریخ» بعنوان وسیله‌ای جهت درک اهمیت رویدادهای معاصر اظهار داشت «مراحل مهم تری در کار است» که امور مهم روزمره را ارتباط منطقی و نظم می‌بخشد. او قرن بیست را بعنوان فرایند «طغیان جبر نظری» در دنیای مدرن توصیف کرد و ارزش‌های اصول آزادی غربی را ابتدا علیه بقاوی استبداد و سپس علیه بولشویسم و فاشیسم و

این سوالات بیش از وجه بلاگو خود اهمیت دارند و مستلزم پاسخ‌های جدی هستند. دانشجویان در تمام برنامه‌های تحصیلی باید بدانند که در بی‌بادگیری چه چیزی می‌باشد و چگونه تجربیاتان بر توانمندی آنها در اندیشیدن و عمل خلاقه در آینده تأثیر خواهد گذاشت.

شکاکان غالباً استدلال کرده‌اند که دانش تاریخ کمک چندان زیادی در برخواهد داشت. هنری فورد صنعتگر آمریکایی تاریخ را عبث می‌داند، گرچه ملاحظه دقیق احتمالاً محدودیت‌های اندیشه فورد را برای ما بیش از ماهیت تاریخ آشکار می‌سازد. برخی روشن‌بینان بر جسته دیگر اظهارات مشابهی داشته‌اند. در قرن هفدهم رنه دکارت دانشمند و ریاضیدان فرانسوی نگران بود که کنجکاوی بی‌مورد درباره گذشته موجب غفلت بیش از حد از زمان حال خواهد شد. اندیشمند و مورخ فرانسوی، فرانسوا ماری آروله دوولتر تاریخ را چنین توصیف می‌کند: «مشتی از حقه‌هایی که در مورد مردگان سوار می‌کنیم». منظور او از این عبارت اعمال دقت بیشتر در نگارش تاریخ بود، اما ناخودآگاه از نگرش‌هایی بدینانه حمایت کرد. به زعم او مورخان همواره به یک یا سه دسته تقسیم می‌شوند، دسته‌ای

حتی نقش‌هایی ویژه را [در این زمینه] برای خود قائل شده‌اند. اغلب مورخان مطالعه تاریخ را راهی برای بشر جهت نیل به خودشناسی می‌دانند. با تأسف، ادوارد گیبون مورخ بزرگ، مؤلف کتاب امپراتوری روم، بایگانی (حافظه: م.) تاریخ را شامل «شارات و ناکامی نوع بشر» توصیف می‌کند. گرچه عقیده وی یقیناً بیانگر یک امر کم اهمیت و تأسف آور می‌باشد، اما در عین حال امکان فرار از چنین اوضاعی را از طریق استفسار منطقی مطرح می‌کند. تفوق بر گذشته می‌تواند از طریق آگاهی میسر شود. سایر مورخان از نوع تفکر خود بعنوان یک ضمانت اجرایی اخلاقی یاد کرده‌اند. لرد اکتون یک انگلیسی کاتولیک عصر ویکتوریا، بر این امر تأکید داشت که «اصل اخلاقی بگانه ملاک بی غرضی آدمی و اشیاء است». او از همه مورخان تقاضا کرد که با دفع از ملاک‌های درست و به دور از این اندیشه که شاید این ملاک‌ها در آینده با عدم موافقت رویه رو شوند، از رفتارهای نادرست در زمان حال ممانعت به عمل آورند و از تبهکاران بخواهند که اعمال نادرست خود را توجیه کنند. هنوز اشخاصی وجود دارند که فکر می‌کنند روابطی بین گذشته و آینده وجود دارد. این افراد پیشنهاد می‌کنند که درک آنچه وقوع یافته ممکن است مردم را بخوبی برای آنچه که روی خواهد داد مهیا کنند. این امر که چگونه می‌توانیم برای مواجه شدن با واقایع ناشناخته مهیا شویم همیشه مشکلات بزرگی را به وجود آورده است. جورج سانتینا، فیلسوف دانشگاه هاروارد اظهار داشت که بزویدی در قرن بیستم، مردمی که گذشته را به فراموشی سپرده‌اند محکوم به تکرار دوباره آن خواهند بود. این مفهوم سودگر افاقت به توسعه راهکارهای قابل اجرا جهت بقدار این مکتب فکری است و معتقد است که تاریخ متضمن خاطرات همه مردم است. عقیده سانتینا ثابت کرد اموری که با تجزیه آموخته می‌شوند می‌توانند انسان را در اجتناب از لغزش‌ها و خطاهای حادث در آینده یاری کنند. تاریخ بعنوان بخشی از دانش، پیشینه طولانی و افتخارآمیزی در تمدن غرب دارد. گرچه تعاریف و موضوعات بر جسته دستخوش دگرگونی ایام شده‌اند، اما روایات مکتوب همواره بر امور انسانی تمرکز یافته و حقایق را بصورت قابل فهم تشریع کرده‌اند. معنای این عبارت این است که حتی مورخان دلایل خوبی (در لوای مدارک) برای باور و اعتبار دلایل خود دارند. مورخ آمریکایی معاصر، پال کوئنیک، در این باره توصیف مختصراً ارائه کرده است: «تاریخ، داستان حقیقی گذشته بشر است». یقیناً کلمات «حقیقت» و «بشر» حائز اهمیت هستند. مفهوم دقیق «حقیقت»، تاریخ را از افسانه و داستان متمایز می‌کند. حکایت یا افسانه ممکن است تا اندازه‌ای «حقیقت» داشته باشد اما مسلمانه‌های آن از حقیقت برخوردار نیست. علاوه بر گذشته بشر باعث می‌شود که مورخان به حادث موجود در طبیعت توجه کنند، مخصوصاً وقتی که آنها فعالیت‌های مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بعنوان مثال فوران‌های آتش‌فشانی و قوى توجه را به خود

سرانجام مارکسیسم امروزی قرار داد. از نظر او این مارکسیسم تهدیدی بود که به جنگ اتمی نهایی منجر می‌شد، اما در آن موقع این جبر نظری در نهایت منجر به پیروزی غرب و اندیشه غربی شد. به نظر فوکویاما آنچه که ما در حال مشاهده آن هستیم فقط پایان جنگ سرد یا جریان خاصی از تاریخ بعد از جنگ نیست، بلکه نقطه پایان تکامل عقیدتی بشر و عمومیت دموکراسی آزادیخواه غربی، بعنوان شکل نهایی حکومت بشر است. این نظریه بزرگ تحریک آمیز و جنجالی باعث ارائه پاسخ‌های گوناگونی از طرف حامیان و نقادان شد. بیشتر این افراد معتقد بودند که صاحبینظران و سایر افراد عصر حاضر، بدون شناخت دقیق تاریخ، در درک دنیای خود دچار مشکل خواهند شد. یک نظر مشابه در اوایل سال ۱۹۹۱ م دربی یک مباحثه در مورد «کارکردهای تاریخ»، توسط البرت شنکر رئیس اتحادیه معلمان آمریکایی مطرح شد. شنکر با مشاهده جدول‌های اعضاي کنگره ایالات متحده درخصوص شروع جنگ علیه عراق در خلیج فارس، خاطرنشان ساخت که سخنرانان، استدلال‌های خود را با رجوع به تاریخ مطرح می‌ساختند:

«اعضای مجلس درباره سقراط و آبراهام لینکلن، جنگ میان آمریکا و مکزیک و جنگ پلوویز صحبت کردند. آنها از اندیشمندانی همچون آگوستین، توماس آکویناس، جیمز مدیسون و وینستون چرچیل یاد کردند. بعضی‌ها درباره باج دادن به هیتلر در مونیخ و موسولینی در ایتالیی صحبت کردند، همچنین عده‌ای در مورد قطعنامه خلیج تونکن که منتهی به گرفتاری شدید ما در وینتمام شد مطالبی را عنوان کردند.»

به نظر شنکر، رجوع آنها به تاریخ صرفاً جهت تجسم یخشیدن به ایراداتشان بصورت یک بحث تفتی که در مجلس بیان می‌شود نبود، بلکه بیشتر به این منظور بود که باعث شود آنها در خصوص این مسئله فکر کنند و بتوانند تصمیمی را که اتخاذ کرده اند برای یکدیگر و برای مردم آمریکا توضیح دهند. نمایندگان مختلف به نتایج متفاوت دست یافتند، اما همه از تاریخ بعنوان ابزاری جهت استدلال و تفکر درباره بحران ... و برای بیان مباحثه ... جهت آشکار نمودند موقع دقیق خود استفاده می‌کردند. شنکر به این نتیجه رسید که هیچ یک از آنان بدون برخورداری از حداقل دانش تاریخ نمی‌توانستند روند گفتگو را ادامه دهند یا نقطه نظر خردمندانه‌ای درخصوص عاقلانه‌ترین اقدام ابراز کنند. از این روی معتقد است که این طرز فکر دارای اهمیت عمومی زیادی می‌باشد.

مسلمان مطالعه و نگارش تاریخ تلاشی جدی و مخاطره آمیز است. هر روز مورخان با چنین مسؤولیت‌های بزرگی مواجه هستند و باید با نقاط ضعف خود، همچون عدم درک جهان و با عدم توانایی در ارائه دلیلی درست مواجه شوند. مسلمان آنها باید در پایگاه متواضع ترین افراد قرار گیرند. با این همه شادمانی مسؤولیت پذیری باعث می‌شود بسیاری چنین فرصتی را با ارزش تلقی کنند. عده‌ای

معطوف داشت که شهرهایی مثل پمپی را زیر خود مدفون کرد و از بین برد.

از زمان‌های باستان تاکنون، تمام ملل، داستان‌هایی در مورد خود و اجداد و نیاکانشان گفته‌اند. آشوریان بر روی کتبه‌های سنگی، اسمی و افعال شاهان خود را برای هر بیتنده‌ای تقد کرده‌اند. این نوشته‌ها همچنین در بردارنده تهدیدی است منی بر تنبیه متخلfanی که تمامیت آن نوشته را با مخدوش کردن از بین برند.

بعضی از آنها رویدادهای شگفتی را بیان می‌کنند که اغلب شامل نیروهای فوق طبیعی و نشانگر خدایان رب النوع های است که در امور بشری دخالت داشتند و اغلب اوقات نتایج کردار آنها را تعیین می‌کردند. بعنوان مثال می‌توان به بعضی از داستان‌های اساطیری یونان، داستان حمامی گیلگمش در بابل، تورات عبری و غیره اشاره کرد که بسیار پنداموز هستند. امروز گاه چنین تعبیراتی ما را مبهوت می‌کند، زیرا با توجه به معیارهایمان چنین به نظر می‌رسد که آنها حقیقت را با غیر حقیقت و باور را با ناباوری در هم آمیخته‌اند. به هر حال آنها مستنداتی از تصاویر بازسازی شده و یا اطلاعاتی ناقص در مورد اعصار باستان نیستند، بلکه آنها سخن‌های عاری از لطفات تاریخ‌اند که ملل مختلف و ازمنه و امکنه متفاوت جهان را واقعاً به شکلی دیگر مشاهده و تجربه کرده‌اند. همچنین ممکن است که طرز تلقی‌های مختلفی از حقیقت و باورها وجود داشته باشد. تاریخ «واقعی» وقتی در دنیای باستان توسعه یافتد که بت شکنان، بی اعتقادی خودشان را نسبت به اظهارات شفاهی و قدیمی اعلام و در بیان درست مطالب پاپشاری کردند. در یونان، در اوایل قرن پنجم ق.م، هرودوتوس اهل هالیکارناس، «تاریخ انتقاد» را نوشت که «حقیقت» را در بیاره جنگ‌های یونان بر ضد پارسیان بیان می‌کرد.

هرودوتوس با کنار هم قرار دادن تواریخ، اطلاعات درستی را با استفاده از اظهارات مشهور و پاره‌ای گزارش‌های تاریخی دولی و مشاهدات شخصی به کار برد. تحسین کنندگانش اورا «پدر تاریخ» نام گذاشتند و در نظر منتقدانش او «پدر دروغ‌ها» بود. از زمان هرودوتوس، مورخان سعی کرده‌اند که داستان‌های واقعی راجع به گذشته پسر بگویند. برای ۲۵۰ سال، مطالعه تاریخ، بسیاری از اهداف و مقاصد را برآورده ساخته است. به احتمال زیاد دانشجویان این رشته ابتدا علاقه خودشان را از روی جذابیت سطحی به دست آورده‌اند. آنها بعنوان موجودات دقیق و کنجکاو از لذت محسن تجربه جانشینی بهره می‌شوند، در حالی که می‌پرسند معنای آن چیست؟ از طریق تمرین قوه تخیل، آنها می‌توانند در امور زیادی از قبیل جنگ‌های پونیک یا رنسانس دخالت داشته باشند. بعضی‌ها با داشتن اطلاعات محترمانه و عجیب شادمان می‌شوند و این اطلاعات می‌تواند مربوط به نوع تسليحاتی باشد که در جنگ‌ها، طی صدها سال و یا در دوره پادشاهان سولنی به کار گرفته می‌شده است. بعضی دیگر نیز تاریخ را منبع آموزش و راهی برای این که تمام امور

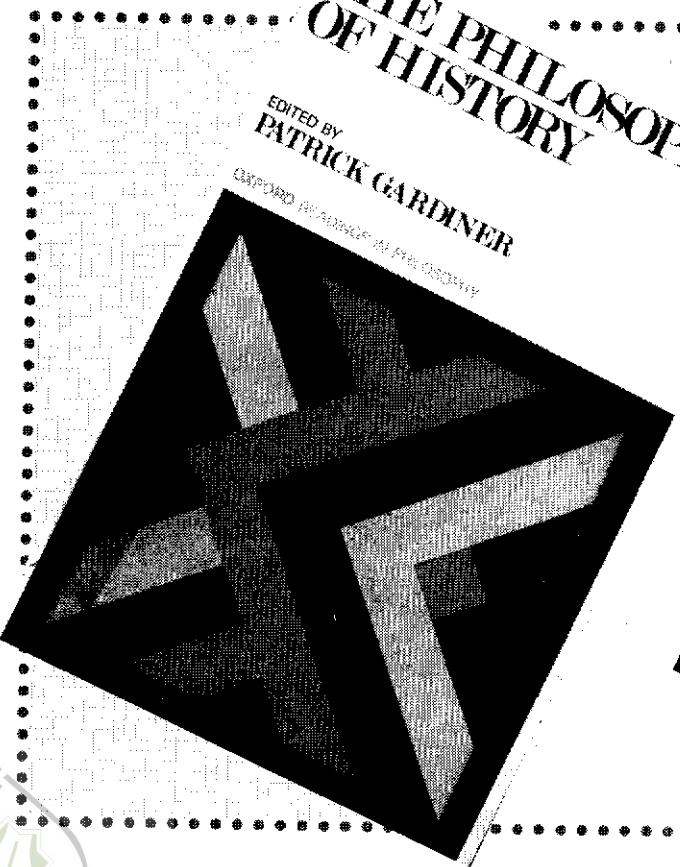
بشری و یا حادائق بخش‌هایی از آن قابل فهم باشد، یافته‌ند. همان طور که نویسنده‌گان اروپایی خاطرنشان ساخته‌اند که مردم گم نمی‌شوند مگر این که خاستگاه خود را فراموش کنند. مورخان برآنند که تعیین جایگاه ما در زمان و شناسایی خاستگاه‌مان، ما را از این گم شدن نجات می‌بخشد.

گرچه کنجکاوی ساده علت منطقی انجام مطالعات تاریخی است، اما محققان حرفه‌ای معمولاً انگیزه دیگری نیز جهت مطالعات خود از ائمه می‌دهند. بسیاری تحت تأثیر حس قوی ضرورت روانی جهت تسهیل فهم طالب قرار دارند. مسئله‌ای که بی‌شك در اکثر کارهای علمی نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند. اعضای فرهنگستان می‌خواهند تا اندازه‌ای نظم و قابلیت پیش‌بینی به دنیا اعاده کنند. آنها بی‌نظمی و عدم قابلیت پیش‌بینی را دوست ندارند زیرا رویدادهای قضا و قدری را مخالف درک مطلب و متنضم خطر می‌دانند. این چنین انتقادپذیری مستلزم بیهودگی و شاید انهدام است. پژوهندگان می‌خواهند بدانند که در موقعیت‌های مختلف چه اتفاقی روی خواهد داد. اغلب مکاتب علمی تلاش می‌کنند در موقعیت‌های مختلف پیرامون نتایج احتمالی، پیش‌بینی‌های دقیقی را انجام دهند. چنین پیش‌بینی‌هایی در علوم فیزیک و شیمی، علوم اخلاقی و علی سیاست مشاهده می‌شوند. این امر در مورد تاریخ هم صدق می‌کند، با این تفاوت که در این علم، چنین روندی از نظر زمانی، بیشتر متوجه گذشته است تا آینده. مورخان با تکیه بر

# THE PHILOSOPHY OF HISTORY

EDITED BY  
PATRICK GARDINER

INTRODUCTION TO HISTORICAL PHILOSOPHY



می برند. بیل پیل گیریم دستگیر کنندگان خود را با ابراز عقیده اش مبنی بر این که روابط علت و معلولی بر روند حوادث حاکم هستند سرگرم کرده و می ترساند. او می گوید حوادث از این جهت روی می دهند که علی داشته اند. اهالی تراالفامادر عقايد متفاوتی دارند به نظر آنها رویدادها صرفاً از روی تصادف و اتفاق، بی نظمی و در مجموع بدون علت روی می دهند. پذیرش این نظریات جهانی کار مورخان را در آینده تقریباً ناممکن خواهد ساخت. تاریخ همچنین راهکاری جهت مطالعه هویت مردم بصورت فردی و جمیع فراهم کرده است. در بعضی روش ها این کار کرد تاریخ با یسمازی های روانی و روانکاری همانندی می کند، چرا که این رشته همچنین برای روشنگری رفتار در زمان حال، از طریق ارائه دانش گذشته که بصورت خودآگاه و صریح می باشد تلاش می کند. همان طور که روانپژوهان و روانکاران با زیر ذره بین بردن غایب ناخودآگاه یا سرکوب شده در صدد معالجه رفتار غیرعادی و پریشان هستند، مورخان هم سعی می کنند از طریق بررسی تاریخ به درک کامل تری از عملکرد آنان ناچال آیند. رویین جی کالینگوود مورخ انگلیسی مایل بود استدلال کند که آدمیان دارای هیچ استدلالی نیستند. آنها صرفاً تاریخ دارند. آنها بعنوان محلوقات سازگار همان گونه می شوند که تجربیاتشان آنها را می سازد.

عقیده تحمیلی کالینگ وود اندکی اغراق آمیز است. تجربیات تاریخی شخصیت مردم را به صورت های مختلف سامان دهی می کند. بسیاری از ما این ادعا را بعنوان حقیقتی در شعائر مذهبی خود می شناسیم. برای قرن ها ملت یهود در جشن های عید نصوح دامستان دولت قدیم اسرائیل و عهد مخصوص یهود خداشان را باز گو کرده اند و به جای تجزیه و پراکندگی موفق به حفظ احساس مشترک و هویت گروهی خود شده اند. مراسم چهارم ژوئیه در ایالات متحده نیز در حد کمتری، هدف مشابهی را تأمین می کند. با تحریک حس وطن پرستی درباره انقلاب امریکا مردم کشور با تجلیل از خاستگاه ملت خود یک حس مشترک اتحاد و یگانگی را پدید آورده اند. همان طور که هر شخصی به تنها ممکن است بتواند از طریق تعمق در تجارب زندگی جوانگوی سؤال «من کیستم؟» باشد، مورخان نیز با تفکر در تجربیات زندگی، داستان زندگی همه ملت هارا باز گو می کنند. وقتی ما می پرسیم ایرانی ها یا آلمانی ها یا تایوانی ها چه کسانی هستند یا این که «ما کیستیم؟»، روايات تاریخ نقطه آغازین پاسخ این سوالات را به ما نشان می دهد. ضرورت دیگر مطالعه تاریخ جنبه سودمندی و عملی آن است. براساس این دلیل منطقی تاریخ موارد استعمال سودمندی دارد زیرا مارا کمک می کند که تنازع پیشینی شده اعمال خود را بهتر محاسبه کنیم. جورج سانتیانا احتمالاً همین عقیده را داشت وقتی که گفت: «مردم گذشته را تکرار خواهند کرد اگر آن را فراموش کنند». نباید سخنانش را خیلی جدی گرفت. جنگ جهانی دوم دوباره روی نخواهد داد، حتی اگر ما فراموش

مدارک گستته و ناقص، پیشگویی هایی در مورد گذشته انجام می دهند. آنان قصد دارند با چنین کاری، به منظور سلاست فهم روند حوادث، روابط علی و معلولی را تبیین کنند. بعنوان مثال آمریکایی ها با خاطر هراس سال ۱۸۳۷ به سوی غرب حرکت کردند. آنها صحت عقایدشان را مبنی بر قابلیت فهم و قایع در جهان بشری به اثبات رساندند. امور دنیوی بنا به علی اتفاق می افتد و اذهان کنجکاو می توانند به آنها دست یابند. چنین فرضیاتی ریشه عمیقی در سنت های تمدن غربی دارند. این مسئله که آیا این فرضیات صحت دارند یا خیر، احتمالاً کم اهمیت ترا از اعتقاد راسخ مورخان بر حقیقی بودن آنهاست. برای مورخان تشخیص روابط علت و معلولی پذید آورنده معنا و قابلیت درک است، اما هر گز نمی توان صحت و واقعیت آن را اثبات کرد. باید ایمان کاملی به آنها داشت، بعنوان مثال در یک عقیده مشابه، رمان کورث و نگت، مسلخ پنجم، آرایش فریبکارانه ای دارد. شخصیت اصلی بیل پیل گیریم بر جسته قادر است در فضای زمان حرکت کند. او می تواند به گذشته و آینده، همچنین خارج از محدوده زمین سفر کند. در بخشی از این داستان او توسط موجودات فرازمینی که از سیاره «تراالفامادر» آمده اند ربوه می شود. آنها در حالی که بیل پیل گیریم در گبد شفافی در سطح کره با یک زندانی دیگر بنام موتناپیا و یلدک که بازیگر شهورترانی است دربند است، آنها را در معرض دید عموم قرار می دهند. مردم از تماشای آنها که می رقصند و در مباحث فلسفی شرکت می کنند لذت

کنیم مطلبی درباره آن بخوانیم یا بنویسیم. ساختیان مفهوم عمیق تری را در نظر داشت. او می‌دانست که تاریخ مجموعه خاطرات نوع بشر است و این که آغاز یک فراموشی جمعی تأثیرات ناگواری خواهد داشت. در وله‌ای اول مانع بهره گیری جوانان از تجارب سالخوردگان خواهد شد. هر نسلی باید از نآش راکش و چرخ سفالگری را اختراع کند. ما بدون حافظه برای انجام اعمال خود دچار مشکل خواهیم شد. آنچه هر نسلی به نسل بعد خود منتقل می‌کند می‌تواند تا اندازه‌ای بعنوان تعلیماتی در هنر زیستن قلمداد شود.

کارل ریموند پور مشکل دیگری را خاطرنشان ساخت. او عقیده داشت که مخصوصاً دانشمندان علوم اجتماعی و مورخان باید بدون غرض نتایج غیرعمدی فعالیت‌های ارادی بشر را در نظر داشته باشند. گاهی اوقات امور بر وقق مراد انجام نمی‌گیرد. بازیگران تاریخی جهت نیل به اهداف خود حرکت می‌کنند، اما عملاً به نتایج متضاد و غیرقابل پیش‌بینی دست می‌یابند. پور از دانشجویان علوم انسانی تقاضا کرد ارتباط موجود بین مقاصد و نتایج را بررسی کنند. تلاش نایلشون در راستای تسلط بر اروپا، ساختار فنودالی را ویران و راه مدرنیزاسیون را آشکار کرد. ایالات متحده در ویتمام جنوبی در دفاع از حق حاکمیت خود و جهت تسهیل در امتحان کشوری کوچک به نیروی نظامی متول شد. چنین تناقض‌هایی که گاهی غم‌انگیز و گاهی خنده‌دار جلوه‌گر می‌شوند منحصر به تجربه بشری هستند. رینولد پیبور مورخ و فیلسوف متأله در انتشار کتابش به نام کنایه تاریخ امریکا هشدار داد که نتایج کردار ما بعض‌اً تعهدات ما را جهت نیل به کمال مطلوب از بین می‌برد. مانیاز داریم در تعقیب اهداف بزرگمان دقیق باشیم چرا که اغلب آنها راه به انحراف می‌برند. اگر ما روابط بین اهداف و نتایج را بهتر بررسی کنیم در عملکرد خلاقانه تر در جهان شانس ترقی خواهیم یافت. مورخان به طور نمونه روایاتشان را با اثبات وجود روابطی علت و معلولی و ارزیابی روابط بین اقدامات شخصیت‌های تاریخی و انگیزه‌ها و نتایج‌شان، بیان می‌کنند. الگوی سه مرحله‌ای زیر که صرفاً منظور توصیفی دارد و نه دستوری، نشانگر این است که چه تعدادی از مورخان به وظیفه خود حتماً عمل می‌کنند، ولی بیان نمی‌کند که آنها ملزم به انجام چه تکالیفی هستند.

در وله‌ای اول مورخان تحقیق خود را با این گونه سوالات آغاز می‌کنند که چه حادثه‌ای روی داده است؟ بازیگران تاریخ چگونه رفتار می‌کنند؟ آنها چه اقدامی انجام داده اند؟ این آسان‌ترین بخش تحقیقات تاریخی است. مادامی که بعضی عوامل از قبیل الواح سنگی، نسخ خطی، گزارش‌های یومیه، گزارش‌های روزنامه‌ای و گزارش‌های رسمی دولتی وجود دارند مورخان می‌توانند به پاره‌ای تصمیم گیری‌ها نایل آیند. اگر هیچ اثری از گذشته باقی نمانده باشد هیچ تاریخ مکتوبی وجود نخواهد داشت.

در مرحله دوم مورخان باید به رفتار بازیگران از طریق طرح

### منبع

\* این مقاله ترجمه‌ای است از: